

بررسی حکم وجوب و فوریت انجام حج در بانوان باردار و شیرده

زهراسادات میرهاشمی^۱، زهرا آل اسحق خوئینی^۲

چکیده

حج با حصول شرایطی خاص، فقط یک بار بر هر فرد مکلف واجب می شود که وجوب آن نیز فوری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی وجوب و فوریت حج برای بانوان باردار و شیرده‌ای که انجام اعمال حج به دلیل شرایط خاص خود یا شرایط طفل و جنین مشقت‌آور است یا ضرر دارد، به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. بدین ترتیب کلیه منابع مکتوب فقهی برای پاسخ به این سؤال آیا بانوان باردار و شیرده در صورت حصول سایر شرایط استطاعت، مستطیع می شوند و یا در صورت وجوب حج، انجام آن فوریت دارد یا خیر، بررسی و تحلیل شد. در مورد استطاعت به صورت عام، در کتب اصول فقه و در مورد استطاعت در حج، در کتب فقهی بحث‌های مفصلی موجود است، اما در مورد حکم وجوب و فوریت حج زن باردار و شیرده و انجام آن در سال استطاعت، در کتب فقهی فقهای متقدم و کتب تفصیلی و استدلالی فقها اشاره‌ای یافت نشد؛ البته حکم مسئله در برخی رساله‌های عملیه و استفتائات مراجع عظام معاصر دیده می شود، اما در این موضوع خاص پژوهش استدلالی مستقلی یافت نشد. نتایج بررسی‌ها نشان داد ادله‌ای که مستند حکم شرعی در مسئله وجوب و فوریت حج زن باردار و شیرده قرار می‌گیرند عبارتند از: قاعده لاضرر، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، قاعده لاجرح و قاعده تراحم میان اهم و مهم و عدم وجود برخی شرایط استطاعت در زن باردار و شیرده که از میان شرایط استطاعت، مسئله توانایی و استطاعت جسمی و بدنی در مورد حج زن باردار و شیرده اهمیت بیشتری دارد و مؤثر در حکم است.

واژگان کلیدی: حج بانوان باردار و شیرده، شرایط استطاعت حج، قواعد فقهی،

فوریت حج.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱
۱. استادیار حقوق خصوصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: z.mirhashemi@alzahra.ac.ir

۲. استادیار حقوق خصوصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.
Email: z.aleshagh@alzahra.ac.ir

An Investigation into the Verdict of Obligation and Urgency of Haj for Pregnant and Lactating Women

Zahra Sadat Mir Hashemi¹, Zahra Aleshagh Khoueini²

Haj becomes obligatory only once for each obliged person under certain conditions that its obligation is also urgent. This descriptive-analytical research was conducted with the purpose of investigating the obligation and urgency of Haj for pregnant and lactating women for whom the performance of Haj is troublesome or harmful, due to their special conditions or the certain conditions of their child. Therefore, all the juridical written sources were examined to respond to this question: do pregnant and lactating women become able under other conditions of ability and/or does Haj become urgent if it is obligatory? There are detailed discussions about ability, in general, in the books of principles of jurisprudence and about the ability to perform Haj in juridical books, but there is not anything about the verdict of obligation and urgency of Haj for pregnant and lactating women under the conditions of ability in early jurists' juridical books and jurists' detailed and reasoning books. The results showed that the reasons documented in the issue of the obligation and urgency of Haj for pregnant and lactating women are as follows: the rule of no harm, the rule of obligation of avoiding probable harm, the rule of no hardness, the rule of conflict between more important and important verdict (the rule of importance), and the absence of some conditions in pregnant and lactating women. Among the conditions of ability, the issue of capability and physical ability is more important in the case of Haj for pregnant and lactating women and is effective in ruling.

Keywords: Haj for pregnant and lactating women, Haj under the conditions of ability, juridical rules, urgency of Haj.

Paper Type: Research

Data Received: 2020/07/31

Data Revised: 2021/01/09

Data Accepted: 2021/01/20

1. Assistant Professor of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty Member of Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: z.mirhashemi@alzahra.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Knowledge, Faculty Member of Islamic Azad University, Arak Branch, Arak, Iran.

Email: s.eslami@iau.arak.ac.ir

حج واجب دینی است که در صورت وجود برخی شرایط، فقط یک بار بر هر مکلف واجب می شود که به آن حجه الاسلام گفته می شود. و جوب حجه الاسلام بر مکلف مستطیع فوری است؛ یعنی، باید آن را در سال اول استطاعت انجام دهد و اگر درک آن متوقف بر تهیه مقدماتی باشد، باید آن را فراهم نماید و در صورت تأخیر، حج بر ذمه وی مستقر می شود و اگر تأخیر کرد، سال بعد باید آن را به جا آورد. (طوسی، ۱۳۸۷ ه.ق، ص ۳۲۵؛ خمینی، ۱۳۸۹/۱/۴۱۹)

در مورد بانوان باردار و شیردهی که به دلیل شرایط خاص خود، یا شرایط طفل و جنین، انجام اعمال حج برایشان مشقت آور باشد یا ضرر داشته باشد، این سؤال مطرح است که آیا با وجود سایر شرایط استطاعت، چنین بانوانی مستطیع می شوند و حج بر آنها واجب است؟ و آیا در صورت وجوب حج، انجام آن در سال اول استطاعت فوریت دارد یا به دلیل شرایط خاص بارداری و شیردهی، می توان حکم به جواز تأخیر داد؟ در پژوهش حاضر با استفاده منابع کتابخانه ای و رجوع به منابع معتبر فقهی به شیوه توصیفی - تحلیلی حکم وجوب حج برای بانوان باردار و شیرده به شیوه استدلالی و با توجه به مبانی فقهی مطرح شده در بحث های استطاعت در حج و قواعد فقهیه حاکم بر مسئله بررسی شد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. شرایط تکلیف

۲-۱-۱. شرایط عامه تکلیف

به طور کلی برای اینکه فردی مکلف شمرده شود و احکام تکلیفی بر ذمه وی مسقر شده و شایستگی حساب و عقاب داشته باشد، باید واجد شرایطی باشد که بدان شرایط عامه تکلیف گویند. شرایط عامه تکلیف، شرایطی است که همه تکالیف شرعی مثل بلوغ، عقل، قدرت (استطاعت) و اختیار به آن مقید است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹/۱/۸۳) که در پژوهش حاضر شرط سوم، یعنی قدرت مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در شرع، قدرت (استطاعت) با معیار قدرت عقلی سنجیده نمی شود و مفهومی وسیع تر از عدم عجز مطلق دارد و شامل ناتوانی ناشی از عسرو حرج و دشواری غیرمتعارف انجام

دادن تکلیف است (جمعی از نویسندگان، بی تا، ۱۶/۶۰۵۸، ذیل واژه تکلیف). می توان از واژه استطاعت به جای قدرت استفاده کرد. نخستین مفهوم استطاعت به معنای داشتن شرایط عمومی تکلیف است که در کتب کلامی با عنوان شرایط تکلیف مطرح است و در فقه به جای آن بیشتر از واژه قدرت استفاده شده است و به تبعیت از قرآن کریم، در باب حج به کار رفته است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵/۱۰۴۵۷). بنابراین، استطاعت یعنی، قدرت بر انجام دادن تکلیف مانند قدرت شرعی بر مناسک حج (رک. آل عمران: ۹۷).

۲-۲. شرایط خاصه تکلیف حج

حج در صورت جمع شرایط بلوغ، عقل، حریت و استطاعت، فقط یک بار در طول عمر هر فرد مکلف بر او واجب می شود. شرایط استطاعت نیز عبارتند از: توانایی زمانی، توانایی طریقی، توانایی جسمی و بدنی، توانایی تأمین هزینه زندگی در زمان حج و بعد از آن، استطاعت مالی یا بذلی. (رک. طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۲/۴۱۹؛ خویی، ۱۴۱۱ هـ.ق؛ خمینی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۱/۳۷۲) البته جمع تمام این شرایط برای وجوب حج اجماعی نیست و در شرطیت برخی از آنها میان فقیهان اختلاف هایی وجود دارد (رک. حکیم، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۱۰/۱۶۱؛ عاملی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲/۱۶۷). همچنین در اینکه شرط از حج را از شرایط استطاعت نمی دانند و معتقدند بیان روایات و ادله استطاعت حج قاصر از اثبات این معناست (رک. حکیم، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۱۰/۱۶۱؛ عاملی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲/۱۶۷). همچنین در اینکه شرط شرعی همچون شرط عقلی یا عدم وجود مانع شرعی (مثل مانع عقلی) از جمله شرایط استطاعت و وجوب حج دانسته شود، میان فقها اختلاف وجود دارد (حکیم، ۱۰/۶۷) که اثر این اختلاف در برخی مسائل مشهود است و بعضی از آنها در موضوع مطروحه این مقاله نیز کاربرد دارد (رک. محمدی، بی تا، ۱۳۹/۱).

با توجه به شروط استطاعت، این سؤال مطرح است که آیا زن باردار و شیردهی که واجد شرایط وجوب حج به جز بارداری و یا شیردهی نوزادش است، مستطیع می باشد؟ یعنی با توجه به اینکه یکی از شروط استطاعت، توانایی بدنی است، آیا زن باردار و شیردهی که به دلیل شرایطش توانایی جسمی لازم در انجام مناسک حج را ندارد، حکم به وجوب حج او می شود؟ به دلیل اهمیت مسئله توانایی و استطاعت جسمی و بدنی در مورد حج زن باردار و شیرده، از میان شرایط استطاعت، این شرط مورد بررسی قرار گرفت.

۲-۲-۱. شرط استطاعت جسمی

استطاعت جسمی یا بدنی یعنی، مکلف خودش فعل را انجام دهد و توانایی لازم برای رساندن خویش به مشاعر و انجام مناسک حج را داشته باشد و در شرط بودن آن در وجوب حج، میان فقها اختلافی نیست. (ر.ک.، ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۵۰/۱؛ حرعاملی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۳۶/۱۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۴۲۵/۲؛ خویی، ۱۴۱۱ هـ.ق) شرط بودن استطاعت بدنی در انجام تکالیف دینی از شرایط عامه تکلیف نیز می‌باشد؛ زیرا یکی از شرایط عامه تکلیف، قدرت است (ر.ک.، طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۰۸/۸؛ بهبهانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳۱۴/۲). در میان اصولیون، مشهور معتقد بودند که قدرت از شرایط عامه تکلیف است یعنی، اگر مکلف عاجز باشد و نتواند مأمور به را در خارج انجام دهد، هیچ تکلیفی متوجه او نیست؛ زیرا با فقدان شرط، مشروط نیز محقق نمی‌گردد. این فرض در مورد بانوان باردار و شیرده نیز متصور است و در صورتی که استطاعت بدنی و یا قدرت (که از شروط عامه تکلیف است) بر انجام حج نداشته باشند، حج برایشان به دلیل عدم استطاعت واجب نیست. آیات متعددی (ر.ک.، بقره: ۳۳؛ انعام: ۱۵۲؛ مؤمنون: ۶۲؛ طلاق: ۷؛ حج: ۷۸؛ نساء: ۲۸) نیز به این شرط اشاره دارند. از نظر عقل نیز قدرت، شرط تکلیف است و مکلف ساختن افراد به بیش از توان آنان قبیح است.

۲-۲-۲. وجوب فوری انجام حج

وجوب حج بر مکلف مستطیع فوری است؛ یعنی باید آن را در سال اول استطاعت به جا آورد و اگر درک آن متوقف بر تهیه مقدماتی باشد، باید فراهم نماید و تأخیر آن از سال استطاعت، بدون عذر، گناه کبیره است. (ر.ک.، خوئی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۷/۲۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۲۰/۱۷؛ خمینی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۳۷۰/۱) با توجه به فوریت وجوب حج، یکی از مسائل مهم در حج بانوان باردار و شیردهی که حج برایشان واجب شده است، وجوب فوریت یا عدم فوریت حج با وجود مشقت و ضرر سفر و انجام مناسک برای ایشان و جنین و یا طفل شیرخوار است.

۳. بررسی وجوب و فوریت حج زن باردار و شیرده و شرایط و ادله آن

ادله‌ای که می‌توانند در شرایط مختلف، مستند در یافتن حکم شرع در مسئله وجوب و فوریت حج زن باردار و شیرده قرارگیرند، عبارتند از: قواعد فقهی و عدم وجود برخی شرایط استطاعت در زن باردار و شیرده.

۳-۱. قواعد فقهی

قواعد فقهی مورد استناد که حکم وجوب حج را از بانوان باردار و شیرده برمی دارد عبارتند از: قاعده لاضرر، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، قاعده لاجرح و قاعده تراحم میان اهم و مهم.

۳-۱-۱. قاعده لاضرر

بسیاری از احکام اولیه اسلامی در شرایط خاصی مانند وجود ضرر و ضرار و... تقیید می شوند؛ یعنی به دلیل شرایط خاص، مکلف مجبور به گردن نهادن بر تکلیف اولیه نمی شود. براین اساس، این پرسش مطرح است که زن شیردهی که مستطیع شده، اما به دلیل ضرری که ممکن است کودک شیرخوارش با رفتن مادر به حج متحمل شود و همچنین زن بارداری که راه رفتن و انجام مناسک حج برای جنین یا خود وی (در سالی که مستطیع شده است) ضرر دارد، آیا می توان با تمسک به قاعده لاضرر، تکلیف وی را منطبق با شرایط تسهیل نمود یا تکلیف را از او ساقط کرد؟ پاسخ گویی به این سوال، ابتدا به تبیین مفاد قاعده ی لاضرر می پردازیم، و سپس باید بررسی کنیم آیا قاعده لاضرر در موارد ضرری، نفی حکم می کند یا تشریح حکم؟ و در آخر مراد از ضرر را بیان می نماییم تا تبیین گردد چه نوع ضرری موجب تسهیل تکلیف می گردد.

اول) تبیین مفاد قاعده لاضرر

قاعده لاضرر برگرفته از حدیث مشهور نبوی «لاضرر ولا ضرار فی الاسلام؛ در اسلام هرگونه ضرری نفی شده است» می باشد. تعیین معنی درست ضرر در این قاعده، بر عهده عرف گذاشته شده است که این قاعده هر دو نوع ضرر مادی و معنوی را در برمی گیرد. در بیان معنای ضرر قول های وجود دارد که جبران ضرر و دو طرفه بودن ضرر از این جمله است. ضرر و ضرار به هر معنا در نظر گرفته شود فرق چندانی در مفهوم اصلی قاعده نخواهد داشت؛ زیرا در اسلام هرگونه ضرر نفی شده است و عدم مشروعیت ضرر، هم شامل مراحل قانونگذاری می شود و هم شامل مرحله اجرای قانون. (بجنوردی، ۱۴۱۹هـ.ق، ۱/۲۱۴) مستندات این قاعده شامل کتاب، سنت، عقل و اجماع است، اما مهم ترین دلیل برای نفی ضرر، عقل است. مدلل این قاعده از مستقلات عقلیه است که عبارت است از: اموری که بدون حکم شرع خود عقل بدانها می رسد. (محقق داماد، ۱۴۰۶هـ.ق، ۱/۱۳۰) علاوه بر دلیل عقلی که از مستندات

مهم قاعده لاضرر است، در روایات متعددی ضرر رساندن به دیگری در اسلام حرام دانسته شده است. مثل روایت سمره بن جندب که در آن پیامبر(ص) ضرر رساندن به دیگران را که ضرری مالی بود، نفی نمود (ر.ک... محقق داماد، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۱/۱۳۲).

دوم) نفی حکم ضرری یا اثبات و تشریح حکم توسط قاعده لاضرر

در مورد نفی حکم ضرری یا اثبات و تشریح احکام جبران کننده توسط قاعده لاضرر، پنج نظریه مشهور وجود دارد که عبارتند از: نظریه نفی حکم و جوب از شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۱۵ هـ.ق)؛ نظریه نفی حکم به لسان نفی موضوع از محقق خراسانی (۱۴۰۹ هـ.ق)، نظریه شریعت اصفهانی که بیان می کند لاضرر در مقام نهی است نه نفی (اصفهانی، ۱۴۱۰ هـ.ق)؛ نظریه نفی ضرر غیر متدارک از نراقی؛ نظریه امام خمینی رحمته الله علیه که بیان می کند لاضرر امری حکومتی و اجرایی است و برخوردی با ادله دیگر ندارد (خمینی، ۱۳۸۲ هـ.ق، ۳/۱۲۱). هر چند به نظر می رسد جامع میان نظرات مفهوم قاعده لاضرر را نفی حکم ضرری می دانند، بسیاری از فقها، اثبات حکم با قاعده لاضرر را نیز پذیرفته اند، ولی مطلب در بادی امر به این روشنی نیست و برخی از فقها بر این باورند که قاعده لاضرر نفی حکم می کند نه اثبات حکم؛ اگرچه برخی از فقها نیز به نحوی و از راهی دیگر پذیرفته اند که قاعده لاضرر اثبات حکم می کند.

بنابراین می توان گفت که زن باردار و شیردهی نیز که انجام مناسک حج برای او با حمل جنین یا به همراه داشتن کودک شیرخوار و یا ترک طفل شیرخوار برای انجام مناسک حج، ضرری باشد، بر مبنای نظر بیشتر فقها، قاعده لاضرر نفی حکم (نفی و جوب) می کند و اسلام این ضرر را برداشته است و حج براو واجب نیست (ر.ک.، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء(س)، ۱۳۹۹، ۶۶/۱)، ولی برای تفصیل بیشتر و دقت بیشتر مساله، مجدداً به صورت دقیق تر، مراد از ضرر و را با تمسک به قاعده لاضرر بررسی می کنیم.

سوم) مراد از ضرر در مسئله استطاعت یا عدم استطاعت جسمی زن باردار و شیرده

مسئله ای مهم است آن است که چه نوع ضرری می تواند موجب تسهیل در حکم حج زن باردار و شیرده شود؟ ضرر بردو نوع است؛ ضرر متعارف و ضرر غیر متعارفی که محدود و موقت بوده و در آینده مرتفع می شود. ضرر متعارف می تواند نافی اصل و جوب حج باشد، اما ضرر نوع دوم هر چند تمسک به قاعده لاضرر در چنین ضرری، نافی اصل و جوب حج



نشود، ممکن است که فوریت حج را مرتفع کند.

همچنین باید توجه داشت که درمورد تشخیص معیار ضرر و ضرار (با توجه به اینکه در احادیث، معیار واحد و مشخصی تعیین نشده است)، تعیین حدود مقدار ضرر و زیان و همچنین تشخیص تحقق ضرر و ضرار به خود یا دیگری، برعهده عرف و عقلاست و در امور پزشکی نیز برعهده متخصصان این رشته است. در مورد بسیاری از عارضه‌ها از جمله بارداری و شیردهی به دلیل شک و نوع عارضه و چگونگی تأثیر آن بر بدن و همچنین به علت عدم تحقیقات کافی، پزشک واقعا نمی‌داند انجام امور عبادی برای مکلف ضرر دارد یا خیر. بنابراین، پزشک حق ندارد برای بیمار تعیین وظیفه کند و فقط می‌تواند درصد احتمال ضرری به بیمار بگوید و خود بیمار به ضمیمه تجربه سابق و قرائن دیگر، اگر احتمال عقلایی دهد که انجام آن تکلیف عبادی موجب ضرر اوست آن را انجام ندهد و حکم اولیه و خوب در مورد او برداشته می‌شود.

چهارم) وجوب یا عدم وجوب حج با وجود ضرر برای زن باردار یا شیرده

الف) تحقق شرایط استطاعت بعد از تحقق بارداری و شیردهی

چنانچه شرایط استطاعت بعد از تحقق بارداری یا شیردهی برای زن ایجاد شده است، در مورد شرایط استطاعت باید با توجه به وضعیت جسمی مادر و جنین حکم نمود؛ یعنی اگر حج برای مادر یا جنین موجب ضرر یا خطر باشد، چنین مادری به دلیل نداشتن استطاعت جسمی که یکی از شروط وجوب حج است، اصلا مستطیع نمی‌شود و حج براو واجب نیست و حتی به این استدلال که قاعده لاضرر حکم اولی و خوب حج مستقر شده را رفع کند نیاز نیست.

ب) تحقق شرایط استطاعت قبل از بارداری و شیردهی

چنانچه زنی قبل از بارداری استطاعت داشت، یعنی ابتدا مستطیع شد و بعد باردار شد و یا به کودکش شیر داد، وجوب حج براو مستقر شده، اما در این حالت نیز اگر بارداری و شیردهی برای مادر یا جنینش مضر و خطرناک باشد، باید بررسی شود که وجوب حج همچنان باقی است؟ بنابراین، با تمسک به قاعده فقهی لاضرر حکم فقهی این مسئله بررسی می‌شود.

بیان شد که اگر خود بیمار با توجه به بیان احتمالات ضرر از سوی پزشک به ضمیمه تجربه سابق و قرائن دیگر، احتمال عقلایی دهد که انجام تکلیف عبادی موجب ضرر به اوست، حکم اولیه وجوب در مورد وی برداشته می‌شود. همچنین، بیان شد که مراد از ضرری که موجب منتفی شدن اصل وجوب حج می‌شود، ضرر متعارف است و فقط در این صورت است که از مکلف رفع تکلیف می‌شود، اما اگر ضرر نامتعارف و موقتی باشد که در آینده مرتفع می‌شود، ممکن است قاعده لاضرر فقط فوریت عمل را مرتفع کند. بنابراین، در فرض مسئله که بارداری و شیردهی پس از تکمیل شرایط استطاعت بر زن عارض شده است، اگر ضرر مربوط به رفتن به حج در آن سال باشد، و اگر در سال‌های آینده به حج برود، آن ضرر اضافی منتفی است، در این صورت طبق مبنای مشهور، اطلاق ادله وجوب فوریت حج با قاعده لاضرر مرتفع می‌شود و وجوب حج همان سال مرفوع خواهد شد، ولی اصل وجوب حج، بر چنین شخصی مستقر است؛ زیرا اصل وجوب حج، ضرری نبوده است و سال آینده (ولو متسکعا) یعنی، با مشقت و سختی، باید حج را انجام دهد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵).

بر اساس استدلال بیان شده و با استناد به قاعده لاضرر و روایت سمره بن جندب و حکومت این قاعده بر ادله احکام اولیه، زن باردار و شیردهی که رفتن به حج در همان سال استطاعت، برای کودک یا جنینش مضر است (و بدیهی است که ضرر جسمی به خود یا به دیگری، بالاتر از ضرر مالی است) و سال‌های بعد این ضرر برای او وجود ندارد، فوریت وجوب حج در سال استطاعت از او برداشته می‌شود، اما در سال آینده بعد از دفع ضرر (ولو متسکعا) باید به حج برود؛ زیرا وجوب حج بر او مستقر شده و اصل وجوب حج برای او ضرری نبوده است. (رک. کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۲۹۴/۵؛ حرعاملی، ۱۴۱۹هـ.ق، ۴۲۸/۲۵؛ حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۶۴/۲)

۳-۱-۲. قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

در صورت محتمل‌الضرر بودن حج بر زن باردار یا شیرده، وظیفه چیست؟ آیا می‌توان با تمسک به قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، تکلیف را منطبق با شرایطش تسهیل نمود؟ قاعده دفع ضرر محتمل از قواعد عقلی است که مضمون آن حکم عقل به دفع ضرر محتمل و یا مظنون است.

اگر انسان درباره چیزی احتمال ضرر بدهد از نظر عقل دفع آن ضرر محتمل واجب



است. همچنین با توجه به حکم عقل، زن مکلف نه فقط در مواردی که قطع به آسیب دیدن خود و جنین و کودکش دارد، بلکه در مواردی که احتمال و ظن به آسیب رساندن به خود و یا جنین و نوزادش را دارد باید جانب احتیاط را رعایت نماید و مانع رسیدن زیان محتمل شود. مرحوم کاظم طباطبایی یزدی (۱۴۱۹ ه.ق، ۴/۴۱۶) در مورد اینکه مکلف باید علم به خطر داشته باشد یا فقط خوف کفایت می‌کند، خوف (خوف عقلایی) را معیار قرار داده است. البته فقها در بسیاری موارد خوف را کافی می‌دانند، برای مثال، برای جواز تیمم و جواز افطار روزه ماه مبارک رمضان، خوف ضرر کافی است و مسائل دیگری نیز در فقه وجود دارند که با خوف ضرر و جوبشان ساقط می‌شود. احتمال خوف در این موارد یا از باب طریقت است یا خوف با حجت عقلایی؛ به ویژه در امور مهمی که حفظشان ضروری است به خوف اکتفا می‌شود و شارع هم سیره عقلا را امضا کرده و ردع نکرده است. بنابراین، در این صورت، حکم به عدم وجوب می‌شود.

براین اساس، در مسئله مذکور از سویی حج بر مادر باردار و شیرده مستطیع واجب است، از سوی دیگر، رفتن به حج موجب احتمال ورود ضرر به مادر، جنین یا کودک شیرخوارش می‌شود. بنابراین، حکم قاعده و جوب دفع ضرر محتمل با حکم ادله و جوب حج درباره جنین زنی متعارض خواهد بود و چون قاعده دفع ضرر محتمل نسبت به ادله اولیه احکام، اولویت دارد و مانند قاعده لاضرر حاکم است، قاعده و جوب دفع ضرر محتمل، به عدم حج برای حفظ جان مادر یا جنین یا کودک حکم می‌کند. از منظر دیگر می‌توان چنین بیان نمود که، بین دو واجب یعنی، وجوب حج و وجوب دفع ضرر محتمل، تراحم ایجاد می‌شود و اصولیین در باب تراحم، واجب اهم (که در اینجا حفظ نفس مادر، جنین یا کودک شیرخوار است) را مقدم می‌دارند.

۳-۱-۳. قاعده لاجرح

از جمله قواعدی که برای سهل‌گیری بر مکلف در شرایط دشوار وضع شده، قاعده لاجرح است. منظور از این قاعده این است که در دین سختی و مشقت وجود ندارد و هر تکلیفی که دشوار باشد، ساقط می‌شود و خداوند احکامی را که حرجی باشد وضع نکرده و هر حکم و تکلیف حرجی و سخت و دشوار را برداشته است. (ر.ک.، موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۱/۲۱۷؛

محمدی، ۱۳۷۹) مقصود از حرج آن است که انسان در انجام آن فعل به مشقت و سختی افتاده و مستاصل شود، نه آنکه قدرت بر انجام نداشته باشد. براین اساس، اگر همراهی کودک شیرخوار با مادر در حج و انجام مناسک حج توسط مادر، موجب حرج جسمی و مادی مادر یا طفل شیرخوار شود، یا در صورتی که رفتن مادر به حج و سپردن طفل شیرخوارش به دیگری موجب حرج روحی و روانی طفل باشد؛ آیا قاعده لاجرح می تواند حکم وجوب حج را بر او تسهیل کند؟

اول) عدم وجوب حج به استناد حرج جسمی و مادی بر مادر، جنین یا طفل شیرخوار

اگر انجام حج برای زن باردار و یا همراهی کودک شیرخوار با مادر در انجام مناسک حج، برای کودک شیرخوار یا مادر یا جنین موجب حرج باشد و یا نتوان طفل را در موسم حج به دیگری سپرد، چند فرض است:

- فرض اول) اگر سایر شرایط استطاعت برای مادر در حین بارداری یا شیردادن حاصل شده است و همراهی کودک در حج موجب حرج جسمانی مادر باشد، مادر با تمسک به قاعده لاجرح، بار مشقت و سختی تکلیف بدنی را از جسم خود برمی دارد و بارداری و شیردهی، مانع از استطاعت است. در نتیجه، وجوب حج منتفی است و حتی حج مادر، حج غیرمستطیع است که کفایت از حجه الاسلام نمی کند؛

- فرض دوم) اگر حج مادر برای طفل شیرخوار (نه خود مادر) حرجی باشد، برای مثال کسی یافت نشود که به جای مادر نشود به نوزاد شیر دهد یا از او نگهداری کند، در این فرض نیز حج بر مادر واجب نیست؛ زیرا قاعده لاجرح حاکم بر ادله احکام اولیه است؛

- فرض سوم) اگر پیش از دوران شیردهی، حج بر مادر مستقر شده است، باید پس از رفع حرج، در اولین فرصت ممکن، برای انجام حج اقدام کند و قاعده لاجرح تنها فوریت وجوب حج را رفع می کند؛

- فرض چهارم) اگر مادری سرپرست خانواده باشد و در تأمین نیازهای طفل دچار حرج مادی شود، در پاسخ به این سؤال که آیا قاعده لاجرح می تواند حکم وجوب حج را مرتفع کند، باید گفت که قاعده لاجرح، همان گونه که ناظر بر حرج جسمانی و بدنی است، ناظر بر حرج غیر جسمانی نیز است، همان گونه که مکلف در حرج جسمانی به قاعده لاجرح استناد



می‌کند و بار مشقت و سختی تکلیف بدنی را از جسم خود برمی‌دارد (رک، احزاب: ۳۷؛ نساء: ۶۵)، روایات متعددی (رک، انصاری، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۵/۱۷۹) نیز وجود دارد که در حرج غیر جسمانی (تألمات روحی، مالی، روانی و اقتصادی و اجتماعی و...) با استناد به قاعده شمول پذیری نفی حرج، می‌تواند دشواری و مشقت این‌گونه حرج‌ها را از فرد بردارد. همچنین اگر هزینه‌های مالی کسی بیش از حد معمول و خارج از تحمل وی باشد، آن فرد دچار حرج مالی است که در فقه به خاطر آن رفع تکلیف شده است (رک، عراقی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۴/۴۵۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۱/۳۸۱). بنابراین، حتی در مورد زن شیردهی که استطاعت مالی برای رفتن به حج دارد، اما توانایی مالی لازم برای پرداخت اجرت نگهداری کودک شیرخوارش را ندارد و خودش سرپرست خانواده نیز بوده و طفلش عیال و واجب‌النفقه اوست، قاعده لاجرج به دلیل حرج مادی، حکم وجوب حج فعلی را از او برمی‌دارد و باید در آینده، در اولین فرصت ممکن، به حج برود (رک، طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ هـ.ق؛ خوبی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۲۶/۱۵۹)؛ زیرا در این صورت چنین شخصی دچار حرج مالی شده است.

دوم) عدم وجوب حج مادر به استناد حرج روحی و روانی طفل شیرخوار

اگر مادر همه شروط استطاعت را دارد، اما رفتن وی به حج و سپردن طفل شیرخوارش به دیگری و عدم همراهی مادر و طفل شیرخوار در موسم و سفر حج سبب شود که طفل شیرخوار دچار حرج روحی و روانی شود، فوریت وجوب حج از مادر منتفی می‌گردد؛ زیرا اگر حرج به حدی باشد که به طور معلول قابل تحمل نباشد، رافع تکلیف است و از این نظر فرقی بین حرج جسمی و روانی نیست. منظور از حرج روانی آن دسته از اموری است که سبب می‌شود انسان به لحاظ روحی و روانی در مشقت و تنگنا قرار گیرد. (یعقوب عبدالوهاب الباحسین، ۱۹۸۰ م؛ حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ۲/۱۷۱)

با توجه به اینکه انسان از آغاز زندگی موجودی اجتماعی است، روابط اجتماعی و عاطفی کودکان از جنبه‌های اصلی رشد اولیه به شمار می‌رود. رابطه اولیه بین فرزند و مادر و نیز سایر کسانی که از او مراقبت می‌کنند از عوامل مهم رشد اجتماعی و عاطفی کودک و ایجاد دلبستگی کودک به مادر است و دلبستگی به مادر نتایج طولانی مدت دارد که عبارتند از: فراهم آمدن سرمایه‌ای از امنیت عاطفی برای کودک و پی‌ریزی شالوده رابطه

بعدی کودک با والدین. همچنین، برخی روان‌شناسان معتقدند که هرچیزی در دوران شیرخوارگی به غذا خوردن کودک مربوط باشد از مهم‌ترین سرچشمه‌های کسب رضایت او است. فروید دوران شیرخوارگی را مرحله دهانی نامید و معتقد بود که ارضای ناکافی یا بیش از حد کودک در این مرحله در روند رشد روانی کودک اشکال ایجاد می‌کند. برای مثال کودکانی که نیازهای جسمی و عاطفی‌شان تأمین نشده است به احتمال ابتلای آنها به اختلالات روانی در آینده بیشتر است. براین اساس، حضور مادر در دوران شیرخوارگی در کنار کودک ضروری است؛ مادر در جایگاه منشأ همیشگی تأمین غذا و آسایش برای نوزاد و کودک، تقویت‌کننده ثانوی مهمی است. بنابراین، کودک نه فقط هنگام گرسنگی و درد به دنبال اوست، بلکه در بسیاری از مواقع رشد نیز وابستگی عمومی خود را به مادر نشان می‌دهد. (ماسن و دیگران، ۱۳۷۴) از جمله مشکلاتی که ممکن است نوزاد در صورت جدایی از مادر در دوران شیرخوارگی تجربه کند عبارت است از:

- غریبی کردن: از جمله معمول‌ترین ترس‌های دوران نوزادی که بین هفت تا دوازده ماهگی بروز می‌کند اضطراب در رویارویی با غریبه‌هاست. جدایی مادر از نوزاد به ویژه در این سن سبب می‌شود نوزاد نتواند این بحران به درستی حل کند و ترس و اضطرابی غیر طبیعی در وی شکل گیرد و چه بسا ماندگار شود.

- اضطراب جدایی: ترس و اضطراب از جدایی بین هفت تا دوازده ماهگی در نوزاد ظاهر می‌شود و اوج آن بین پانزده تا هجده ماهگی است که در صورت ارتباط دایم و صحیح مادر با نوزاد به تدریج کاهش یافته و از بین می‌رود. در صورتی که نوزاد نتواند اضطراب جدایی را به درستی حل کند، رشد دلبستگی وی دچار اختلال خواهد شد و دلبستگی ایمن در وی شکل نخواهد گرفت.

جدایی طولانی مدت نوزاد شیرخوار از مادر می‌تواند منجر به اختلال اضطراب جدایی در وی شود. از ویژگی اصلی این اختلال، بی‌قراری و ترس زیاد کودک هنگام جدایی از والدین است. همچنین مراقبت نادرست از کودک و عدم توجه به نیازهای روانی و بدنی وی می‌تواند سبب ایجاد اختلال دلبستگی در کودک شود. به دلیل وابستگی عاطفی کودک به مادر به ویژه در دوران شیرخوارگی، جدا کردن وی از مادر می‌تواند سبب بروز مشکلات

روحي و رواني پايدار در اوي شود؛ زيرا دلبستگي عامل مهمي در رشد عاطفي و اجتماعي دوران كودكي و سال‌هاي بعد زندگي اوست. (كاشاني، ۱۳۷۶) براي اين اساس، به نظر مي‌رسد چون كودكان شيرخواري كه هنگام رفتن مادر به حج به مدت طولاني (حداقل يك ماه)، دچار حج مي‌شود يا خوف حج بر كودك مي‌رود، حج بر مادران اين كودكان واجب نيست.

۳-۱-۴. قاعده اهم و مهم در تزاحم

اين قاعده براي سهل‌گيري بر مكلف در مواردی است كه دو حكم نسبت به يكديگر زحمت و مزاحمتي فراهم نمايند و مكلف نتواند در موقع امتثال به هر دو عمل كند. مثل اينكه دو نفر در حال غرق شدن هستند و فقط نجات يك نفر ممكن است. (شيرواني، ۱۳۸۵/۱/۲۷۹) حال اگر وجوب حج بر زن باردار و شيرده با يك واجب ديگر مانند، حفظ جان خودش يا جنينش يا كودك شيرخوارش تزاحم پيدا كند وظيفه مكلف چيست؟ آيا مي‌توان با تمسك به قاعده اهم و مهم در تزاحم، با توجه به شرايط خاص زن باردار يا شيرده در حكم تسهيل نمود؟

اول، بارداری و شیردهی پیش از حصول شرایط عام استطاعت

اگر زني قبل از حصول شرايط عام استطاعت، باردار و شيرده باشد، به گونه‌اي كه به دليل شرايط بارداری، زایمان و شيردهی، امکان و توانايی انجام حج را نداشته باشد بر اساس مباني علمای فقه، دو نظر در اين مساله قابل تصور و مطرح است. برخي فقها همچون صاحب عروه/الوثقی معتقدند كه در اين فرض به هيچ وجه تزاحمی بوجود نمی‌آيد؛ چرا كه اساسی‌ترين شرط وجوب حج كه استطاعت است در مورد او محقق نشده و در نتيجه حج براو واجب نيست. چنين شخصي يا فاقد شرط توانايی و استطاعت جسمی است و يا به دليل تحقق وجوب واجب ديگري قبل از وجوب حج (مانند حفظ نفس خود، جنين و يا طفل شيرخوارش) فاقد استطاعت شده. ايشان چنين تحليل کرده‌اند كه قدرت شرعی نيز براي انجام حج همچون قدرت عقلي از شروط استطاعت است. بنا بر اين، اينكه «حج مستلزم ترك واجب ديگري نباشد» هم عرض ساير شروط، مانند استطاعت مالي و جسمی و عدم وجود مانع، جزء شروط استطاعت شمرده شده است.

در مقابل، برخي فقها مانند آيت الله خويي (ر.ك.، خويي، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۲۳/۲۶) و امام خميني رحمته الله عليه (طباطبائي يزدی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۲۶۳/۴) عدم عذر شرعی را نه شرط وجوب حج می‌دانند و نه مقوم

استطاعت. بنابراین، بدون تفاوت در اینکه استطاعت قبل از واجب مزاحم دیگری محقق شود یا پس از آن، معتقدند در صورت مزاحمت واجب دیگر با حج، تزاحم ایجاد می‌شود و باید برای حل مسئله سراغ تشخیص اهم رفت.

دوم) حصول شرایط استطاعت پیش از بارداری و شیردهی

چنانچه زن قبل از بارداری و شیردهی استطاعت داشته و حج بر او مستقر شده است یعنی، ابتدا مستطیع شده و بعد باردار شده و یا به کودکش شیرخوار شده است، در این صورت وجوب حج بر او مستقر است. این سؤال مطرح است که در صورت تزاحم حج با واجب دیگر و عدم امکان جمع میان آنها، تکلیف چیست؟ از نظر فقها اگر با وجود استطاعت عام، رفتن به حج مستلزم ترک واجب یا مقدمه حرامی باشد، باب تزاحم است (طباطبایی بزدی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۴/۴۵۳)؛ یعنی اگر رفتن به حج موجب انجام حرام یا ترک واجبی شود باید اهمیت هر کدام لحاظ شود. اگر یکی از دو حکم متزاحم مهم‌تر باشد (مانند مزاحمت حج با حفظ مال یا جان) بدیهی است که عقل، در این تزاحم بین اهم و مهم، حکم به تقدیم اهم می‌کند (خویی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳/۳۶۱).

این مسئله حتی با مثال‌ها و عباراتی چنین بیان شده که اگر رفتن به حج مستلزم اتفاق تلخی باشد، حج واجب نیست و یا وجوب آن فوری نخواهد بود. (ر.ک... محدث قمی، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۲/۱۷۲) برای مثال گفته شده اگر شغل فردی آتش‌نشانی است، یا شغلش انقاز غریق است، در فرض اتفاق آتش‌سوزی بزرگی در جنگل که اگر آقای آتش‌نشان حج برود کسی مهارت او را برای مهار آتش ندارد و عدم وجود او و رفتنش به حج مستلزم اتفاق تلخی است؛ در چنین احتمالی نیز حکم شده که چنین فردی نباید حج برود و فوریت وجوب حج از او برداشته می‌شود (نمازی، ۱۳۹۵).

هرچند در مواردی که انجام حج برای نفس زن باردار و شیرده یا جنین او و یا طفل شیرخوارش ضرر داشته باشد، به دلیل خوف از ضرر و برای حفظ نفس آنها، با استناد به قاعده لاضرر و قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، حکم وجوب فوریت حج برداشته می‌شود، اگر مسئله از باب تزاحم و قاعده اهم و مهم نیز بررسی شود لازم است به‌ویژه در مورد زن شیردهی که قبل از شیردهی حج بر او مستقر شده و در حال حاضر استطاعت بدنی و تمام



شرایط وجوب حج را دارد، اما رفتن به حج موجب ضرر به کودکش می‌شود، تأمل بیشتری شود (زیرا صورت‌های دیگر مسئله که در آنها بحث حفظ نفس مادر، جنین یا کودک مطرح باشد، به دلیل وجوب حفظ نفس و اهمیت آن، اهم مسئله در تراحم حج و حفظ نفس واضح و روشن است.

براین اساس این مسئله که در صورت تراحم وجوب شیردهی مادر با وجوب حج، مادر باید کدام واجب را مقدم بداند باید بررسی شود. برای تبیین این مسئله ابتدا باید اثبات شود که آیا شیردهی بر مادر واجب است یا خیر، سپس در صورت وجوب شیردهی، تراحم آن را با وجوب حج بررسی نمود.

باید توجه داشت که در عمل شیردهی مادر، اجبار و الزامی بر دوش مادر نیست. با وجود تمام تأکیداتی که در دین و همچنین در علوم پزشکی بر تغذیه کودک با شیر مادر شده است، اسلام این اختیار را به مادر داده است که اگر مادر نخواهد یا توانایی نداشته باشد، می‌تواند از شیر دادن به کودک امتناع کند؛ این موضوع در ضمن عبارت «لَا يَكْفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ خدا هیچ‌کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او» (بقره: ۲۸۶) به خوبی مشهود است. همچنین امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «زن بر شیر دادن فرزندش اجباری ندارد» (محدث نوری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۵/۱۶۳). اما همان‌گونه که بسیاری از فقها تصریح نموده‌اند، این حکم مقید است به شرطی که پدر غایب نباشد و توانایی پرداخت اجرت شیر دادن را نیز داشته باشد و یا خود طفل صاحب مال باشد. همچنین مقید است به موردی که مرضه دیگری غیر از مادر وجود داشته باشد یا طفل بتواند از غذای دیگری غیر از شیر مادر استفاده کند. در غیراین صورت، شیر دادن به طفل بر مادر واجب است، همان‌گونه که نفقه طفل در صورتی که پدر تمکن مالی نداشته باشد یا مرده باشد، بر مادر واجب است. (رک. بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۵/۷۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۷/۵۴۵؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۸/۴۱۲؛ طباطبائی حائری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۲/۱۴۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۱/۲۷۲). بنابراین، اگر مرضه دیگری غیر از مادر وجود نداشته نباشد تا به کودک شیر دهد، شیردهی بر مادر واجب است و اگر وجوب شیردهی بر مادر با وجوب حج بر مادر تراحم پیدا کند، با توجه به اینکه امتثال هر دو، خارج از توان اوست، با وحدت ملاک از موضوعات و مثال‌های بیان شده در باب تراحم در حج، می‌توان گفت که اگر حج رفتن

مادر شیرده موجب تلف شدن کودک می‌شود، فوریت وجوب حج از مادر برداشته می‌شود، البته سال بعد ولو متسکعا باید حج را به جا آورد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۴/۳۹۵-۳۹۶).

اول، ملاک‌ها و مرجحات باب تزاحم حج و واجب دیگر و تشخیص اهم

به‌طور خلاصه، ملاک‌های ترجیح یک حکم در باب تزاحم عبارتند از: ترجیح حکم بی‌بدل بر حکم بدل دار، ترجیح حکم مطلق و منجز بر حکم مشروط به قدرت شرعی و ترجیح حکمی که ظرف امتثال آن مقدم است. (خوبی، ۱۳۷۸، ۲/۵۰۴) زن باردار و شیردهی که شرایط عام استطاعت برای او پیش از بارداری و شیردهی محقق شده و وجوب حج با واجب دیگری مرتبط با مسئله بارداری و شیردهی تزاحم پیدا کرده است، ملاک سوم راهگشای مسئله است؛ یعنی ترجیح اهم بر مهم؛ و ترجیح یکی از دو حکم متزاحمی که مهم‌تر باشد. بدیهی است عقل در دوران امر بین اهم و مهم، حکم به تقدیم اهم می‌دهد (خوبی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۳/۳۶۱).

تشخیص اهم در قاعده تزاحم نیز به چهار شیوه امکان‌پذیر است: تصریح بر اهمیت در خود ادله، تعدد حق بر حق واحد، تأکید شارع به امری نسبت به امر دیگر و سیره متشرعه و عقلا (یعنی اگر متشرعه و عقلای عالم، امری را نسبت به امر دیگر ترجیح دهند، بیانگر اهمیت آن امر در نزد شارع است). بنابراین، وجوب حفظ نفس کودک شیرخوار که به حکم عقل مهم‌تر از وجوب حج مادر در صورت آسیب رسیدن به کودک است، مقدم خواهد بود. چنانکه به دلیل قراردادستن حفظ نفس از جمله مصالح مرسله مورد تأکید و توجه و اهمیت شارع، می‌توان حفظ نفس و سلامت مادر، جنین و کودک شیرخوار را بر وجوب حج مقدم دانست. بنابراین، در صورتی که موضوع بدیهی و روشن باشد، عقلا وجوب حفظ جان کودک شیرخوار را در صورت نبودن مرضعه دیگر از بدیهیات عقلی می‌دانند و نیز در صورت تعارض وجوب حج و وجوب حفظ نفس، وجوب حفظ نفس را ترجیح می‌دهند.

۲-۳. عدم وجوب حج به دلیل عدم وجود برخی شرایط استطاعت در زن باردار و شیرده

چون حج واجبی مشروط است و در صورت فقدان هر یک از شرایط استطاعت، حج بر مکلف واجب نیست، در برخی وضعیت‌های زن باردار و شیرده نیز با استناد به فقدان برخی شروط استطاعت، امکان اثبات و حکم به عدم وجوب حج برای زن باردار یا شیرده می‌باشد. از جمله این موارد، مسئله زن شیرده سرپرست خانوار است به‌گونه‌ای که تأمین نیازهای



مالی طفل حین حج و بعد از حج برای چنین زنی مقدور نباشد و همچنین در صورتی که مادر باردار یا شیرده، توانایی جسمی لازم برای رفتن به حج و انجام مناسک آن را نداشته باشد، تکلیف او از نظر استطاعت جسمی قابل تأمل است.

۳-۲-۱. عدم توانایی زن سرپرست خانوار در تأمین نیازهای مالی طفل شیرخوار

یکی از شرایط وجوب حج آن است که فرد مستطیع علاوه بر خرج سفر، مخارج عیالات خود در زمان رفتن و برگشتن از حج را متناسب با حال آنها داشته باشد و مراد از عیال آن است که، این فرد در نظر عرف مکلف است خرج آنها را بدهد اگرچه، در شرع واجب‌النفقه او محسوب نشوند.

این شرط در مسئله پژوهش حاضر نیز صدق می‌کند با این توضیح که، زن شیردهی که سرپرست خانواده است و مستطیع و حج براو واجب شده است و کودک شیرخوار نیز دارد، اگر بتواند برای کودک پرستار پیدا کند، اگرچه با مشکلات معمول و قابل تحمل و پرداخت اجرت باشد، باید این کار را بکند، اما اگر توانایی مالی برای پرداخت اجرت به پرستار کودک را نداشته باشد و یا بعد از بازگشت از حج تأمین مالی کودکش برای وی ممکن نباشد، حج براو واجب نیست؛ زیرا یکی از شرایط وجوب حج که استطاعت مالی بعد از برگشت از حج است را ندارد. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ه.ق، ۴۴۵/۲؛ خوبی، ۱۴۱۸ه.ق، ۷/۲۸)

۳-۲-۲. عدم توانایی جسمی زن باردار یا شیرده

در قسمت شرایط وجوب حج بیان شد که یکی از شروط استطاعت، استطاعت بدنی است. بنابراین، حج بر فردی که قدرت رفتن به حج را ندارد یا رفتن به حج برای او حرج و مشقت زیادی دارد، واجب نیست. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ه.ق، ۴۶۹/۲؛ موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ۱۴۲۵ه.ق، ۳۸۰/۱) با توضیحات بیان شده و انطباق آن با مسئله مورد بررسی در پژوهش حاضر، زن باردار یا شیردهی که استطاعت جسمی برای انجام مناسک حج با به همراه داشتن کودک شیرخوارش را ندارد، حج براو واجب نیست؛ زیرا شرط استطاعت بدنی که از شروط وجوب حج است را ندارد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

از مجموع بررسی‌های انجام شده مشخص شد که انجام حکم و جوب یا فوریت حج زن باردار و شیرده، به دلیل شرایط خاص ایشان قابل تأمل است. ادله‌ای که می‌توانند در شرایط مختلف، مستند حکم شرع در مسئله و جوب و فوریت حج زن باردار و شیرده قرارگیرند، با توجه به شرایط زن باردار و شیرده عبارت است: قواعد فقهی و عدم وجود برخی شرایط استطاعت در زن باردار و شیرده. از میان شرایط استطاعت، مسئله توانایی و استطاعت جسمی و بدنی در مورد حج زن باردار و شیرده اهمیت بیشتری دارد و مؤثر در حکم است. قواعد فقهی مورد استناد که در برخی موارد حکم و جوب حج را از زن باردار و شیرده برمی‌دارد نیز عبارتند از: قاعده لاضرر، قاعده و جوب دفع ضرر محتمل، قاعده لاجرح و قاعده تراحم میان اهم و مهم. ضرر متعارف حج در زن باردار و شیرده می‌تواند نافی اصل و جوب حج باشد. همچنین توجه به این نکته ضروری است که تشخیص معیار ضرر و تعیین حدود مقدار ضرر و زیان و همچنین تشخیص تحقق ضرر به خود یا دیگری، بر عهده عرف و عقلاست و در امور پزشکی هم بر عهده متخصصان این رشته است. همچنین باید بین زمانی که ابتدا زن در دوران بارداری و شیردهی قرار داشته، سپس شرایط استطاعت برای او حاصل شده است و زمانی که بارداری و شیردهی پس از تکمیل شرایط استطاعت بر زن عارض شده است، تفاوت قائل شد، در مورد اول با تمسک به قاعده لاضرر، حج بر زن واجب نیست و در مورد دوم، و جوب فوریت حج با قاعده لاضرر مرتفع می‌شود.

وقتی رفتن به حج موجب احتمال ضرر برای مادر یا جنین یا کودک شیرخوارش می‌شود، حکم قاعده و جوب دفع ضرر محتمل با حکم ادله و جوب حج در مورد جنین زنی متعارض خواهند بود و چون قاعده دفع ضرر محتمل نسبت به ادله اولیه احکام اولویت دارد، قاعده و جوب دفع ضرر محتمل، حکم به عدم حج برای حفظ جان مادر، جنین یا کودک می‌کند. اگر همراهی کودک در حج موجب حرج جسمانی مادر باشد یا حج مادر برای طفل شیرخوار (نه خود مادر) حرجی باشد؛ در صورتی که سایر شرایط استطاعت برای مادر در حین بارداری یا شیردادن حاصل شده است، مادر با تمسک به قاعده لاجرح، بار مشقت و سختی تکلیف بدنی را از جسم خود یا طفلش برمی‌دارد و بارداری و شیردهی مانع استطاعت است و و جوب حج منتفی است، اما اگر پیش از دوران شیردهی حج بر



مادر مستقر شده باشد، باید پس از رفع حرج، در اولین فرصت ممکن، برای انجام حج اقدام کند و قاعده لاحرج تنها فوریت و جوب حج را رفع می‌کند. اگر رفتن مادر به حج و سپردن طفل شیرخوارش به دیگری، موجب حرج روحی و روانی طفل شود، این مسئله هم از مواردی است که موجب منتفی شدن فوریت و جوب حج از مادر خواهد شد؛ زیرا اگر حرج به اندازه‌ای باشد که به طور معمول قابل تحمل نباشد، رافع تکلیف است و از این نظر فرقی بین حرج جسمی و روانی نیست.

به طور کلی از نظر فقیهان، اگر با وجود استطاعت عام، رفتن به حج مستلزم ترک واجب یا مقدمه حرامی باشد، باب تزاحم است. اما اگر زن قبل از حصول شرایط عام استطاعت، باردار و شیرده باشد، به طوری که به دلیل شرایط بارداری، زایمان و شیردهی، امکان و توانایی انجام حج را نداشته باشد، بنا بر نظر برخی فقها در این فرض به هیچ وجه تزاحمی به وجود نمی‌آید؛ زیرا چنین شخصی در برخی موارد، فاقد شرط توانایی و استطاعت جسمی است. در مقابل، برخی فقها عدم عذر شرعی را نه شرط و جوب حج می‌دانند و نه مقوم استطاعت. بنابراین، بدون تفاوت در اینکه استطاعت قبل از واجب مزاحم دیگری محقق شود یا پس از آن، معتقدند که در صورت مزاحمت واجب دیگری با حج، تزاحم ایجاد می‌شود و باید برای حل مسئله سراغ تشخیص اهم رفت.

یکی از شرایط و جوب حج این است که فرد مستطیع علاوه بر خرج سفر، مخارج عیالات خود در زمان رفتن و برگشتن از حج را متناسب با حال آنها داشته باشد. بنابراین، زن شیردهی که سرپرست خانواده است و مستطیع شده و حج بر او واجب شده است و کودک شیرخوار نیز دارد، اگر توانایی مالی برای پرداخت اجرت به پرستار کودک را نداشت و یا بعد از بازگشت از حج توانایی تأمین مالی کودکش را نداشته باشد، حج بر او واجب نیست.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. اصفهانی، شیخ الشریعه (۱۴۱۰ ه.ق). قاعده لاضرر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ه.ق). المکاسب. قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتب.
۳. بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ ه.ق). القواعد الفقهیه. قم: الیهادی.
۴. بحرانی، آل عصفور (۱۴۰۵ ه.ق). الحدائق الناضره فی احکام العترة الطاهره. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. بهبهانی، سیدعلی (۱۴۰۵ ه.ق). الفوائد العلیه - القواعد الکلیه. اهواز: کتابخانه دارالعلم.
۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.

۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. جمعی از نویسندگان (بی تا). دانشنامه بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۹. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۶). فلسفه حقوق خانواده. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۱۰. حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ ه.ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. خراسانی، آخوند محمد کاظم (۱۴۰۹ ه.ق). کفایة الاصول. قم: آل البيت.
۱۲. شیروانی، علی (۱۳۸۵). تحریر اصول فقه. قم: دارالعلم.
۱۳. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ ه.ق). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۴. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ ه.ق). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۵. طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ ه.ق). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). الجملة والعقود فی العبادات. مترجم: واعظ زاده خراسانی، محمد. مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۷. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۸. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ه.ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: کتابفروشی داوری.
۱۹. عراقی، آقا ضیاء الدین، و کزازی، علی (۱۴۱۴ ه.ق). شرح تبصره المتعلمین. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.
۲۰. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ه.ق). کشف اللثام والابهام عن قواعد الاحکام. قم: جامعه مدرسین وابسته به حوزه علمیه قم.
۲۱. کاشانی، فرح لطفی، و وزیر، شهرام (۱۳۷۶). روان شناسی مرضی کودک. تهران: انتشارات ارسباران.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. ماسن، پاول هنری (۱۳۷۴). رشد و شخصیت کودک. یاسایی، مهشید. تهران: انتشارات سعدی.
۲۴. محدث قمی، شیخ عباس (۱۴۲۳ ه.ق). الغایة القصوی فی ترجمه العروة الوثقی. قم: منشورات صبح پیروزی.
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ه.ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۶. محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۹). قواعد فقه. تهران: انتشارات دادگستر.
۲۷. محمدی، علی (بی تا). شرح اصول استنباط. قم: دارالفکر.
۲۸. موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ (۱۴۱۹ ه.ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
۲۹. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۲ ه.ق). تهذیب الاصول. قم: دارالفکر.
۳۰. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۵ ه.ق). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۱. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۵ ه.ق). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۳۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۷ ه.ش). اجود التقریرات. قم: کتابفروشی مصطفوی.
۳۳. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۱ ه.ق). مناسک الحج. قم: چاپخانه مهر.
۳۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ ه.ق). مصباح الاصول. قم: انتشارات داوری.
۳۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ه.ق). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۳۶. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام (۱۳۹۹). استفتائات جدید، مسائل مبتلی به در حج. مشاهده شده در پایگاه: <http://talabehpasokhgoo.parsiblog.com>
۳۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵). درس خارج فقه، مشاهده شده در: <https://www.471/hashemishahrudi.org/ar/lessons/download>
۳۹. یعقوب عبدالوهاب الباحسین (۱۹۸۰ م). رفع الحرج فی الشریعه الاسلامیه. قاهره: جامعه الازهر.